



قدم به قدم، همراه دانشجو...

WWW.GhadamYar.Com

جامع ترین و به روزترین پرتال دانشجویی کشور (پرتال دانش)
با ارائه خدمات رایگان، تحصیلی، آموزشی، رفاهی، شغلی و...
برای دانشجویان

- (۱) راهنمای ارتقاء تحصیلی. (کاردانی به کارشناسی، کارشناسی به ارشد و ارشد به دکتری)
- (۲) ارائه سوالات کنکور مقاطع مختلف سالهای گذشته، همراه پاسخ، به صورت رایگان
- (۳) معرفی روش های مقاله و پایان نامه نویسی و ارائه پکیج های آموزشی مربوطه
- (۴) معرفی منابع و کتب مرتبط با کنکورهای تحصیلی (کاردانی تا دکتری)
- (۵) معرفی آموزشگاه ها و مراکز مشاوره تحصیلی معتبر
- (۶) ارائه جزوات و منابع رایگان مرتبط با رشته های تحصیلی
- (۷) راهنمای آزمون های حقوقی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- (۸) راهنمای آزمون های نظام مهندسی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- (۹) آخرین اخبار دانشجویی، در همه مقاطع، از خبرگزاری های پربازدید
- (۱۰) معرفی مراکز ورزشی، تفریحی و فروشگاه های دارای تخفیف دانشجویی
- (۱۱) معرفی همایش ها، کنفرانس ها و نمایشگاه های ویژه دانشجویی
- (۱۲) ارائه اطلاعات مربوط به بورسیه و تحصیل در خارج و معرفی شرکت های معتبر مربوطه
- (۱۳) معرفی مسائل و قوانین مربوط به سربازی، معافیت تحصیلی و امریه
- (۱۴) ارائه خدمات خاص ویژه دانشجویان خارجی
- (۱۵) معرفی انواع بیمه های دانشجویی دارای تخفیف
- (۱۶) صفحه ویژه نقل و انتقالات دانشجویی
- (۱۷) صفحه ویژه ارائه شغل های پاره وقت، اخبار استخدامی
- (۱۸) معرفی خوابگاه های دانشجویی معتبر
- (۱۹) دانلود رایگان نرم افزار و اپلیکیشن های تخصصی و...
- (۲۰) ارائه راهکارهای کارآفرینی، استارت آپ و...
- (۲۱) معرفی مراکز تایپ، ترجمه، پرینت، صحافی و ... به صورت آنلاین
- (۲۲) راهنمای خرید آنلاین ارزی و معرفی شرکت های مطرح
- (۲۳)



WWW.GhadamYar.Ir

WWW.PortaleDanesh.com

WWW.GhadamYar.Org

۰۹۱۲ ۳۰ ۹۰ ۱۰۸

باما همراه باشید...

۰۹۱۲ ۰۹ ۰۳ ۸۰۱

www.GhadamYar.com

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع :

حقوق تجارت (۱)

استاد :

جناب آقای حسین هوشمند

دانشجو :

جمیله رنجبر

سمانه قاسمی

بهاره سعیدی

فایل صوتی حقوق

WWW.VOICELAW.IR

۰۹۳۹۶۹۴۱۳۷۷

بهار ۱۳۹۱

بسم رب النور

بسم رب العشق

بسم رب البحاری، المهری

آن که شعر و هنر به موسیقی است

نذر درگاهش

آن که یاکان هنر دریای اوسماره افکنند

بسم رب العشق

آن که حافظ ها و سهری ها

عشق او و آل او را بر زبان دارند

بسم رب الهادی المهری

فایل صوتی حقوق

WWW.VOICELAW.IR

۰۹۳۹۶۹۴۱۳۷۷

حقوق تجارت (۱)

حقوق تجارت مجموعه ی قواعدی است که بر روابط و امور تجاری حاکم است و مباحث عمده

ای که در آن مطرح می شود عبارتند از:

۱- تاجر و عملیات تجاری و دفاتر تجاری

۲- شرکت های تجاری که شامل هشت نوع است:

- شرکت سهامی عام

- شرکت سهامی خاص

- شرکت با مسئولیت محدود

- شرکت تضامنی

- شرکت نسبی

- شرکت مختلط سهامی

- شرکت مختلط غیر سهامی

- شرکت تعاونی

۳- اسناد تجاری (چک، سفته، برات، بارنامه و ...)

۴- ورشکستگی و تصفیه اموال تاجر ورشکسته

فایل صوتی حقوق

WWW.VOICELAW.IR

۰۹۳۹۶۹۴۱۳۷۷

«تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار دهد» (ماده ۱ ق. تجارت)

براساس این تعریف باید به نکات زیر توجه نمود:

نکته ۱: این تعریف هم اشخاص حقیقی و هم اشخاص حقوقی را شامل می شود.

نکته ۲: شغل معمولی به شغلی گفته می شود که استمرار داشته باشد و عرفاً نیز کسی که کاری را

به ندرت و گه گاه انجام دهد، شاغل به آن شناخته نمی شود مثلاً اگر شخصی به مسافرت رفته و

اجناسی را خریداری نموده و به شهر خود برسد، تاجر محسوب نمی شود.

نکته ۳: لازم نیست که انجام معاملات تجاری شغل انحصاری یا اصلی شخص باشد. مانند این که

شغل اصلی و منبع مهم درآمد کسی، کشاورزی باشد و ضمناً به عنوان شغل دوم به انجام معاملات

تجارتی نیز مبادرت نماید. چنین شخصی نیز تاجر محسوب می شود.

نکته ۴: از نظر قانون تجارت، تاجر کسی است که معاملات تجاری به نام و به حساب وی انجام

شود. ولی مباشرت در معاملات تجاری شرط تاجر محسوب شدن نمی باشد و معاملات تجاری

ممکن است توسط شخص تاجر و یا با واسطه و به وسیله ی زبردستان و کارمندان صورت

گیرند.

باید توجه داشت که افرادی که برای تاجر کار می کنند تاجر به حساب نمی آیند. مثلاً در

مؤسسات کرایه ی اتومبیل، راننده ها تاجر نمی باشند بلکه صاحب آن مؤسسه تاجر محسوب می

شود.

نکته ۵: قانون گذار در ماده ی ۱ ق. ت، تعریف کامل تاجر را موقوف به شناخت معاملات تجاری کرده است. بنابراین بدون بررسی معاملات تجاری نمی توان به صورت دقیق تاجر را تعریف کرد.

فایل صوتی حقوق

WWW.VOICELAW.IR

۰۹۳۹۶۹۴۱۳۷۷

اعمال تجاری دو نوع اند:

الف) اعمال ذاتاً تجاری:

در ماده ی دوم قانون گذار ۱۰ بند را به شناخت معاملاتی که ذاتاً تجاری هستند اختصاص داده است:

۱- خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از این که تصدقاتی

در آن شده یا نشده باشد.

در خصوص این بند چند نکته وجود دارد:

نکته ی اول:

منظور از کلمه تحصیل، به دست آوردن جنس یا کالایی بدون خرید با پول است. مثل ماهیگیری

اگر بدست آوردن مال، با پرداخت مبلغی از جانب شخص باشد، تحصیل نمی باشند. مثلاً در مثال

بالا اگر تاجر پروانه ی ماهیگیری داشته باشد، ماهیگیری او تحصیل مال به حساب نمی آید.

نکته ی دوم:

انجام معامله ی تجاری، مستلزم فعالیتی از جانب شخص است و حتماً باید تحصیل و یا خرید نماید

بنابراین اگر شخص مالی را که به او هبه شده و یا به ارث رسیده است را به فروش برساند، تاجر به

حساب نمی آید.

نکته ی سوم:

اموال غیرمنقول اموالی هستند که قابل انتقال نمی باشند. چه استقرار آن ها ذاتی باشد، مثل زمین و چه به واسطه ی عمل انسان، مانده لوله های به کار رفته در داخل ساختمان و این استقرار به نحوی است که نقل آن مستلزم خرابی یا نقش خود مال یا محل آن شود.

به طور کلی، حقوق تجارت فقط در خصوص اموال منقول و قابل حمل و نقل بحث می کند.

نکته چهارم:

قصد فرد از خرید یا تحصیل یک مال ممکن است فروش و یا اجاره ی آن باشد. که در هر دو صورت عمل وی تجاری به حساب می آید. هم چنین ممکن است مال عیناً به فروش برسد یا به اجاره داده شود. یا اینکه تصرفاتی در آن بشود. مثلاً اگر مال خریداری شده پارچه باشد از آنها لباس دوخته شود و سپس آن لباس ها را بفروشد یا اجاره دهد.

۲- تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد.

حمل و نقل یعنی جابه جایی اشخاص و کالا که به سه نوع تقسیم می شود:

الف) حمل و نقل زمینی؛ که شامل حمل و نقل ریلی و جاده ای می باشد.

ب) حمل و نقل ریلی؛ که خود سه قسم می باشد: در آب های ساحلی که در قلمرو کشور می

باشند، در آب های منطقه ای که در قلمرو منطقه است و در آب های آزاد که کشتی ها برای

عبور از آن ها نیاز به اجازه ندارند.

ج) حمل و نقل هوایی

نکته: حمل و نقل انسان ها در حقوق تجارت مورد بحث نمی باشد و در آن فقط از حمل و نقل حیوان و اشیاء صحبت می شود.

تصدی به حمل و نقل یعنی این که شخصی از این طریق حمل و نقل، کار تجاری انجام دهد. بنابراین راننده ای که کالاها را حمل می کند تاجر محسوب نمی شود. بلکه مسئول شرکتی که راننده از طرف او کالا را حمل و نقل می کند، متصدی حمل و نقل بوده و تاجر می باشد. مگر اینکه راننده با یک وسیله نقلیه بوده وجود متصدی حمل و نقل باشد، یعنی برای کسی کار نکند. بلکه خود مستقلاً و مستمراً به این کار پردازد.

۳- هر قسم عملیات دلالی یا حق العمل کاری (کمسیون) و یا عاملی و همچنین تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رساندن ملزومات و غیره.

در این بند سه موضوع وجود دارد:

الف) حق العمل کاری:

قانون تجارت حق العمل کار را چنین تعریف می کند: «حق العمل کار کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری (آمر)، معاملاتی کرده و در مقابل، حق العملی دریافت می دارد.» حق العمل کار در معامله خود را صاحب سرمایه معرفی می کند و معامله می نماید، اما سود و ضرر به حساب صاحب اصلی سرمایه می باشد.

(ب) دلالی:

در قانون تجارت دلال چنین تعریف شده است: «دلال کسی است که در مقابل اجرت، واسطه ی انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می خواهد معاملاتی نماید، طرف معامله پیدا می کند.» دلالی، دلال فقط واسطه بوده و در دو طرف معامله را به هم معرفی می کند و لذا طرف مقابل می داند که صاحب سرمایه فرد دیگری (آمر) است.

(ج) عاملی:

قانون تجارت تعریفی از عامل نکرده است. به طور کلی عامل کسی است که در مقابل دریافت مبلغی، به اسم دیگری و به حساب دیگری معامله می کند و به نوعی نماینده ی آمر می باشند.

در ادامه ی بند سوم، قانون گذار تصدی به تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می شود را نیز جزء عملیات تجاری به حساب آورده و مثال هایی را برای آن آورده است، از قبیل:

- تسهیل معاملات ملکی؛ که در واقع بنگاه های املاک معامله ی بین خریدار و فروشنده را تسهیل می کنند

- پیدا کردن خدمه؛ مثل شرکت هایی که خدمتکار، نظافتچی، پرستار و ... می فرستند.

- تهیه و رساندن ملزومات؛ به معنای شرکت هایی که برای رساندن ملزوماتی تشکیل شده

اند. مثل شرکت هایی که مواد غذایی حمل می کنند، یا مثل شرکت های پستی.

این بند از ماده قانونی تمثیلی می باشد نه حصری. در مواد قانونی حصری همه ی موارد در قانون

ذکر شده و نمی توان مواردی را به آن اضافه نمود. اما در مواد تمثیلی، قانون گذار فقط مواردی را

برای مثال ذکر می کند و می توان مثال های دیگری نیز برای آن آورد. حقوقدانان نیز مثال های دیگری آورده اند. مثلاً انبارداری و پارکینگ داری را از جهت تصدی و کاری که انجام می دهند، تجاری می دانند.

۴- تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط برای این که برای رفع حوائج شخصی نباشد.

شرط تجاری بودن کارخانه این است که برای رفع نیازمندی های دایر کننده نباشد، بلکه منظور از تولید یا تبدیل یا مونتاژی که در آن کارخانه صورت می گیرد این باشد که سودی عاید دایر کننده گردد. مثلاً چنانچه کارخانه ی بزرگی، کارخانه ی کوچکی را کنار خود راه اندازی نماید تا مواد اولیه ی موردنیاز کارخانه ی بزرگ تر یا برق آن را تأمین کند، کارخانه ی کوچک تجاری به حساب نمی آید چرا که صرفاً برای رفع حوائج کارخانه ی بزرگ تر تأسیس شده است.

۵- تصدی به عملیات حراجی

عملیات حراجی عبارت از این است که اشخاصی، اجناس و کالاهای مختلف را به جای این که به طور معمول به قیمت معینی بفروشند. آنها را در یک جلسه ی عمومی به خریداران عرضه کرده و به کسی که قیمت بیشتری پیشنهاد کند می فروشند. متصدیان عملیات حراجی ممکن است اجناس و کالاهای متعلق به خود را از طریق حراجی به فروش برسانند، یا اجناس و کالاهای دیگران را که به منظور حراج شدن در اختیار آن ها قرار داده شده، با اخذ اجرتی معین یا درصدی از مبلغ فروش به طریق گفته شده بفروشند.

فایل صوتی حقوق

WWW.VOICELAW.IR

۰۹۳۹۶۹۴۱۳۷۷

۶- تصدی به هر قسم نمایشگاه های عمومی

متصدی نمایشگاه های عمومی از قبیل سینما، سیرک، نمایشگاه هنری و نیز نمایشگاه های عرضه ی کالا و اجناس صنعتی، کشاورزی و تجاری، تاجر محسوب می شود. مشروط بر این که این کار مستمر بوده و شغل معمولی وی باشد. البته باید توجه داشت که فقط تصدی آن تجاری است، بنابراین غرفه داران، فروشندگان و سایر کسانی که برای متصدی کار می کنند تاجر نیستند.

گاهی اوقات هدف از دایر شدن یک نمایشگاه خرید و فروش نبوده و صرفاً نمایش اجناس و کالاها موردنظر است. مثلاً نمایشگاهی که برای به نمایش گذاشتن آثار هنری و نقاشی های هنرمندی دایر می شود. این گونه نمایشگاه ها تجاری نمی باشند، مگر این که نمایش این آثار

هنری همراه با خرید و فروش باشد.

فایل صوتی حقوق

WWW.VOICELAW.IR

۰۹۳۹۶۹۴۱۳۷۷

۷- هر قسم عملیات صرافی و بانکی

تعریف یا صرافی عبارت است از تعویض و داد و ستد انواع پول که امروزه علاوه بر بانک ها مؤسسات دیگری نیز به این امر اشتغال دارند. در رابطه با تجاری بودن معاوضه ی پول دو کشور، اختلاف نظری وجود ندارد. اما در خصوص صرافانی که پول یک کشور واحد را تعویض می نمایند اختلاف وجود دارد.

در رابطه با عملیات بانکی باید گفت عملیات بانکی شامل افتتاح حساب، پرداخت وام، جعاله، مضاربه و صرافی می شود. لذا عملیات بانکی اعم از عملیات صرافی است.

۸- معاملات برواتی اعم از این که بین تاجر یا غیر تاجر باشد.

برات در موقع صدور، قائم به وجود سه نفر است؛ برات کش یا صادر کننده یعنی شخصی که با امضای برات، به صدور آن اقدام می کند و برات گیر یا شخصی که برات کش از او می خواهد

که برات را پرداخت نماید و برات دار یا دارنده برات یعنی کسی که وجه برات باید به او پرداخت شود. برات سندی است که در آن امضا کننده (برات دهنده) از شخص معینی (برات گیر) می خواهد در وعده ی تعیین شده معادل مبلغی را که به وی بدهکار است را به شخص ثالثی (دارنده ی برات) که از برات دهنده طلبکار است بپردازد. در واقع برات گیر در قبال برات دهنده بدهکار است و برات دهنده نیز در قبال دارنده ی برات بدهکار می باشد معاملات برواتی معاملاتی هستند که نسبت به برات صورت می گیرند. لذا عمل همل کسانی که با برات معامله می کنند از قبیل برات گیرنده، برات دهنده و برات دار تجاری محسوب می شود.

برات مادر اسناد تجاری است و قانون گذار تمام مقررات برات در مورد سفته و چک هم لازم الاجرا می داند. اما معاملات در خصوص آن ها تجاری نیست. زیرا در مورد چک قانون در ماده ی ۳۱۴ صراحت دارد که صدور چک تجاری نیست. معامله نسبت به سفته هم طبق رأی وحدت رویه تجاری محسوب نمی شود.

فایل صوتی حقوق

WWW.VOICELAW.IR

۰۹۳۹۶۹۴۱۳۷۷

۹- عملیات بیمه ی بحری و غیربحری

یعنی انجام اعمال مربوط به بیمه، مانند تشکیل شرکت های بیمه و ...

در گذشته حمل و نقل بیش تر از طریق دریا صورت می گرفته و اشخاص، اجناس خود را بیمه می کردند تا در صورت آسیب کالا در دریا یا غرق شدن آن بتوانند از بیمه خسارت دریافت کنند به همین دلیل نیز کلمه بحری آورده شده است اما امروزه سایر بیمه ها نیز دارای اهمیت می باشند.

۱۰- کشتی سازی و خرید و فروش کشتی و کشتی رانی داخلی و خارجی و معاملات راجع به

آن ها.

طبق این بند، کشتی سازی و خرید و فروش کشتی، تجاری محسوب می شود و اگر شخصی یکی از آنها را شغل معمولی خود قرار دهد، تاجر شناخته خواهد شد. به عنوان مثال کارخانه ای که کشتی یا قطعاتی از آن را می سازد، و یا دفتری که خرید و فروش آن را انجام می دهد، و نیز کشتی رانی در دریا، دریاچه و یا رودخانه و ... همگی تجاری می باشند.

به موجب قانون، خرید و فروش کشتی باید توسط اسناد رسمی صورت بگیرد. (در بین اموال

منقول، کشتی و هواپیما الزاماً باید با سند رسمی خرید و فروش شوند.)

فایل صوتی حقوق

WWW.VOICELAW.IR

۰۹۳۹۶۹۴۱۳۷۷

ب - اعمال تجاری تبعی

برخی از اعمال تجاری، تبعی هستند. یعنی ذاتاً تجاری نمی باشند اما به اعتبار تاجر بودن متعاملین با

یکی از آن ها، تجارتی محسوب می شود؛ یعنی چون تاجر این اعمال را انجام می دهد، عمل او

نیز به تبع، تجاری محسوب می شود. قانون گذار در ماده ۳ قانون تجارت در ۴ بند این اعمال را نام

برده است.

۱- کلیه ی معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان و بانک ها

کلیه ی معاملاتی که تاجر با یکدیگر می نمایند تجارتی محسوب می شود حتی اگر به امور

تجارتی مربوط نباشد مثلاً اگر یک تاجر از تاجر دیگری یک کیسه برنج برای مصرف شخصی

خود خریداری کند عمل او به تبع تاجر بودن هر دو طرف، تجاری است.

تذکره: فقط تاجر بودن دو طرف ملاک است نه یک نوع بودن تجارت آن ها. (یعنی لازم نیست هر

دو مثلاً صراف باشند)

بر این بند ایرادی وارد است و آن این که بهتر بود بعد از کلمه ی «تجار» به صرافان، کسبه و بانک

ها اشاره نمی شد چرا که کلمه ی تجار شامل کسبه، صرافان و بانک ها نیز می شود.

۲- کلیه ی معاملاتی که تاجر با غیر تاجر برای حوائج تجارتی خود مینمایند.

معاملاتی که یک تاجر با غیر تاجر می کند، فقط در صورتی تجارتی می باشد که برای رفع نیاز

شخصی و غیر تجاری تاجر نباشد. مثلاً اگر تاجر از کشاورزی برای مصرف شخصی خود برنج

بخرد عمل او تجاری نمی باشد.

۳- کلیه ی معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتی اربا خود مینمایند؛

مباشرت تاجر در امور تجارتی شرط نیست بلکه معاملاتی که کارکنان تاجر برای امور تجارتی

تاجر انجام می دهند نیز تجارتی محسوب می شود. اگر این معاملات برای امور تجارتی تاجر

نباشد تجارتی نیست. هم چنین این کارکنان خود تاجر نمی باشند.

۴- کلیه ی معاملات شرکت های تجارتی

هر گونه معامله ای که شرکت های تجاری انجام می دهند تجاری می باشد. شرکت تجاری،

شرکتی است که به صورت یکی از هفت نوع شرکت مقرر در قانون تجارت (ماده ۲۰) تشکیل و

اداره شود.

معاملات تجارتی شرکت های تجارتی به وسیله مدیران و مدیران عامل آنها که نماینده قانونی

شرکت هستند، انجام می شود. لیکن مدیران مزبور، تاجر محسوب نمی شوند زیرا معاملات به

حساب شرکت انجام شده و مربوط به شخص آن ها نمی باشد، و نیز کلیه معاملاتی که اجزاء و

کارکنان شرکت های تجاری، برای آن ها انجام می دهند، معاملات تبعی محسوب می گردد.

- معاملات غیر منقول به هیچ وجه تجاری محسوب نمی شود. (ماده ی ۴ ق.ت)

مقررات قانون تجارت مربوط به اموال منقول است و مقررات مربوط به اموال غیر منقول در قانون

مدنی ذکر شده اند. اما کسی که واسطه معامله ی اموال غیر منقول می شود، عمل تجاری انجام می

دهد. مانند مشاورین املاک

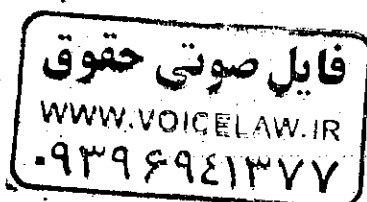
- کلیه ی معاملات تجار، تجاری محسوب است مگر این که ثابت شود در معامله مربوط به امور

تجاری است (ماده ی ۵)

این ماده یک ماده ی قانونی است که بر اساس آن تمامی معاملات تاجر، تجاری محسوب می

شوند. مگر این که تاجر بتواند اثبات نماید که معامله برای امور تجاری نبوده است. بنابراین بار

اثبات بر دوش تاجر قرار می گیرد.



دلّالی

«دلّال کسی است که در مقابل اجرت، واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می خواهد

معاملاتی نماید طرف معامله پیدا کند». (قسمت اول ماده ی ۳۳۵ قانون تجارت)

بنابراین، دلّال، خود طرف معامله نیست بلکه واسطه بین فروشنده و خریدار است و کسی که

دلّالی را شغل معمولی خود قرار دهد، تاجر محسوب می شود.

در معاملاتی که دلّال واسطه می باشد، علاوه بر دلّال آمر و اصیل نیز حضور دارند.

آمر یکی از طرفین معامله و گاه هر دو طرف معامله می باشد. که به دلّال دستور می دهد برای او

واسطه گری کند. در حالتی که فقط یکی از طرفین آمر باشد به طرف دیگر معامله اصیل می

گویند بنابراین اصیل کسی است که توسط دلّال شناسایی شده و با آمر (یا آمرین) معامله می

نماید. مثلاً ممکن است یک ملک چند مالک داشته باشد که به دلّال دستور دهند تا برای فروش

آن واسطه شود در این حالت چند آمر با اصیل معامله می نمایند.

در ماده ی ۳۳۵ چند نکته وجود دارد

نکته ی اول:

فایل صوتی حقوق

WWW.VOICELAW.IR

۰۹۳۹۶۹۴۱۳۷۷

این ماده به واسطه گری دلّال اشاره می نماید.

نکته ی دوم: ید دلّال مانند ید وکیل بوده و امانی است. زیرا در بخش آخر ماده ی ۳۳۵ قانون

گذار قرارداد دلّالی را تابع مقررات راجع به وکالت دانسته است.

در ید ضمانتی اصل بر مسئول بودن شخص است مگر اینکه ثابت نماید که تعدی یا تفریط نکرده است (مثل ید غاصب)

در ید امانی تا زمانی که تعدی یا تفریط شخص ثابت نشود شخص مسئولیتی ندارد به عبارت دیگر تعدی و تفریط امانی را زائل می کند. (مثل ید دلال) البته یک استثنا وجود دارد که در ماده ی ۳۳۹ ق. ت آمده است.

اگر اشیاء یا اسنادی که در ضمن معاملات به صورت امانی در اختیار دلال قرار می گیرند، از بین بروند، ید دلال ضمانتی خواهد بود. یعنی اگر ثابت نشود که تقصیر نکرده، مسئول خواهد بود. به عنوان مثال آمر طبق یک سند و نوشته به دلال می گوید که نوع خاصی از یک کالا را خریداری نماید یا نمونه ای از آن نوع خاص را به وی می دهد. که ممکن است دلال نوعی غیر از آنچه آمر گفته را بخرد و برای دریافت اجرت خود آن نمونه یا نوشته را از بین ببرد در این حالت دلال ضامن خواهد بود.

قانون گذار برای جلوگیری از به وجود آمدن اختلاف در دلالتی های همراه با نمونه، در ماده ۳۴۰ دلال را موظف به نگهداری نمونه تا پایان معامله کرده است.

۳- نکته ی دیگری که در ماده ی ۳۳۵ وجود دارد، اجرتی است که دلال دریافت می کند به این

اجرت که دلال در مقابل واسطه گری که انجام داده است دریافت می کند «حق دلالتی» می

گویند. اجرت دلال به عهده ی طرفی است که او را مأمور به انجام کاری نموده، مگر این که در

یک قرارداد خصوصی غیر از این ترتیب را توافق کرده باشند.

طبق ماده ۳۴۸ که یک ماده ی تکمیلی است. دلال نمی تواند حق دلالی را مطالبه کند، مگر در صورتی که معامله به راهنمایی یا وساطت او تمام شده باشد.

در مورد زمان تمام شدن معامله نظر آقای دکتر فخاری این است که معامله عرفاً بعد از تنظیم یک قرارداد بین طرفین معامله تمام می شود و عادلاته نیست که دلال برای دریافت اجرت خود تا زمان تنظیم سند رسمی از سوی دفترخانه صبر کند.

اما این نظر ایراداتی دارد چون به هر حال قانون باید رعایت شود و مطابق با قانون دلال تا زمان تمام شدن معامله حق دریافت اجرت را ندارد و معامله نیز تا زمانی که در دفترخانه سند رسمی تنظیم نشود، تمام نشده است. زیرا ممکن است فروشنده مالک آن مال نباشد و یا آن را به چندین نفر فروخته باشد و ...

دفترخانه ابتدا از اداره ی ثبت استعلام می کند تا مالک یا مالکین اصلی آن مال معلوم شود و سپس سند رسمی را تنظیم می نماید و پس از آن معامله به اتمام می رسد.

البته ماده ی ۳۴۸ تکمیلی است و دلال در صورت توافق می تواند قبل از تمام شدن معامله اجرت خود را دریافت کند.

ماده ی ۳۴۹ مقرر داشته که اگر دلال برخلاف وظیفه ی خود نسبت به آمر، به نفع طرف دیگر معامله، عمل کند و عدالت را رعایت نکند (مثلاً از طرف مقابل وجهی را دریافت نماید تا به نفع او اقدام کند) در این صورت مستحق دریافت اجرت نمی باشد و علاوه بر آن به مجازات مقرر برای خیانت در امانت نیز محکوم خواهد شد.

در صورتی که معامله به رضایت طرفین یا به واسطه یکی از اختیارات قانونی فسخ بشود. حق مطالبه

دلالتی از دلال سلب نمی شود. مشروط بر این که فسخ معامله مستند به دلال نباشد.

(ماده ی ۳۵۲ ق. ت)

- قوانین مربوط به دلالتی در مواد ۳۳۵ و ۳۵۶ قانون تجارت آمده است.

حق العمل کاری

قانون تجارت در تعریف حق العمل کار می گوید «حق العمل کار کسی است که به اسم خود

ولی به حساب دیگری (آمر) معاملاتی کرده و در مقابل حق العملی دریافت می دارد.»

- حق العمل کاری یا به دلیل معتبر نبودن نام آمر و یا اعتبار زیاد حق العمل کار در بازار

صورت می گیرد.

حق العمل کاری با دلالتی تفاوت دارد. زیرا دلال خودش طرف معامله نیست ولی حق العمل کار

خود یکی از طرفین معامله می باشد. مثلاً در بیع به عنوان خریدار یا فروشنده معامله می نماید حق

العمل کار و دلال در دو مورد شباهت دارند. اولاً همانطور که دلال ید امانی دارد، ید حق العمل

کار نیز امانی بوده و مسئولیتی ندارد مگر در صورت تعدی یا تفریط (ماده ۳۵۸).

ثانیاً حق العمل کار نیز در قبال کاری که انجام می دهد همانند دلال، اجرتی دریافت می نماید به

اجرتی که دلال دریافت می کند «حق دلالتی» و به اجرتی که حق العمل کار دریافت می کند «حق

العمل» می گویند. (ماده ی ۳۶۹)

فایل صوتی حقوق

WWW.VOICELAW.IR

۰۹۳۹۶۹۴۱۳۷۷

رابطه ی حق العمل کار با آمر به تصریح قانون تجارت مانند رابطه ی وکالت است و قانون تجارت

آن را تابع مقررات مربوط به وکالت کرده است.

البته با توجه به خصوصیات حق العمل کاری، در مواردی استثنائاتی قائل شده و مقرراتی راجع به

آن ها ارائه داده است.

حق العمل کار باید در حدود اختیاراتی که آمر به او داده است عمل نماید اگر مال التجاره را با

قیمتی کمتر از آنچه که آمر گفته بفروشد باید خسارت را جبران کند مگر اینکه ثابت کند برای

جلوگیری از ضرر بیشتری این کار را کرده و امکان اجازه گرفتن از آمر نیز وجود نداشته است

(ماده ۳۶۳)

البته قانون گذار در دو مورد استثناء قائل شده و به حق العمل کار اجازه داده تا از حدود اختیاراتی

که آمر به او داده است فراتر رود.

یکی در مواردی است که کالایی که به وی سپرده شده کالای فاسد شدنی باشد و حق العمل کار

برای جلوگیری از فساد کالا و ضرر آمر از حدود اختیاراتش خارج شود. مثلاً اگر آمر به حق

العمل کار مقداری بیشتر سپرده باشد تا در اصفهان بفروشد، ولی حق العمل کار در قم متوجه شود

که اگر آنها را تا اصفهان ببرد فاسد می شوند، می تواند با نظارت دادستان آن ها را در قم بفروشد.

(ماده ی ۳۶۲ ق. ت)

فایل صوتی حقوق

WWW.VOICELAW.IR

۰۹۳۹۶۹۴۱۳۷۷

مورد دیگر در جایی است که آمر پول و اجرت حق العمل کار را نمی دهد. در این جا حق العمل کار حق حبس دارد. یعنی می تواند در قبال پولی که از آمر طلب دارد (یعنی به میزان طلب خود) کالای آمر را نزد خود نگه دارد تا آمر مجبور به پرداخت اجرت شود (ماده ۳۷۱)

اگر کالا تجزیه پذیر باشد (مثل میوه) حق العمل کار فقط به میزان اجرتش از آن کالا را باید نزد خود نگه دارد. اما اگر کالا تجزیه ناپذیر باشد (مثل خودرو) حق العمل کار می تواند کل کالا را تا زمان دریافت اجرتش نگهداری نماید.

اگر حق العمل کار مال التجاره را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده بخرد یا به بیشتر از قیمتی که آمر معین کرده بفروشد حق استقاده از تفاوت را نداشته و باید آن را در حساب آمر محسوب دارد (ماده ۳۶۵).

در قانون تجارت برای حق العمل کاری که این تفاوت و اضافه قیمتی که بدست آورده را به اطلاع آمر نرساند سه مجازات در نظر گرفته شده است:

فایل صوتی حقوق

WWW.VOICELAW.IR

۰۹۳۹۶۹۴۱۳۷۷

۱- از بین رفتن اجرت و حق العمل

۲- محکوم شدن به مجازات خیانت در امانت

۳- خودش به عنوان خریدار یا فروشنده حساب می شود. (یعنی معادل آن مقدار اضافه ای که

می خواسته بدست بیاورد، ضرر می کند)

در ماده ۳۷۲ قانون گذار گفته است در صورتی که امکان فروش مال نباشد مثلاً مشتری مناسبی

پیدا نشود و یا این که آمر از اجازه ی فروش کالا رجوع کند، در صورتی که آمر به موقع برای

تحويل کالاها اقدام نکند حق العمل کار می تواند کالاها را با نظارت دادستان یا نماینده ی او به طریق مزایده بفروش برساند. اگر آمر یا نماینده ی او در محل فروش حضور نداشته باشد فروش بدون حضور او صورت می گیرد. البته حق العمل کار باید قبل از آن، یک اخطاریه ی رسمی برای آمر ارسال کند. اگر کالا از اموال سریع الافساد باشد ارسال اخطارنامه ی رسمی لازم نبوده و می تواند با اجازه ی دادستان آن را سریعاً بفروش برساند.

قوانین مربوط به حق العمل کاری در مواد ۳۵۷ تا ۳۷۶ قانون مجازات تجارت آمده است.

قرارداد حمل و نقل

به موجب بند ۲ ماده ی ۲ قانون تجارت، تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد، از معاملات تجارتي است و با استناد به ماده ی ۱ قانون تجارت کسی که شغل معمولی او، تصدی به حمل و نقل از طرق اخیر باشد تاجر محسوب خواهد شد. حمل و نقل بر سه نوع می باشد؛ حمل و نقل اشیاء، حمل و نقل حیوانات و حمل و نقل انسان.

مواد ۳۷۷ تا ۳۹۴ قانون تجارت که به قرارداد حمل و نقل می پردازد، مربوط به حمل و نقل اشیاء

(که شامل حیوان هم می شود) است و به حمل و نقل انسان در آن اشاره نشده است.
حمل و نقل انسان نیز به استناد ماده ۲ قانون تجارت
- قانون تجارت در ماده ی ۳۷۷، در تعریف متصدی حمل و نقل می گوید: متصدی حمل و نقل کسی است که در مقابل اجرت حمل اشیاء را به عهده می گیرد.

فایل صوتی حقوق

WWW.VOICELAW.IR

۰۹۳۹۶۹۴۱۳۷۷

به کار رفتن کلمه ی «کسی» در این ماده مورد انتقاد واقع شده و اساتید حقوق گفته اند که بهتر بود قانون گذار می گفت: «متصدی حمل و نقل «شخصی» است که ...» چون در این صورت هم شامل اشخاص حقیقی و هم شامل اشخاص حقوقی می شد.

هم چنین قانون گذار در ماده ی ۳۷۸ گفته است: «قرارداد حمل و نقل تابع مقررات وکالت خواهد بود، مگر در مواردی که ذیلاً استثناء شده باشد»

قانون گذار به دلیل استثنائات زیادی که آورده است موجب شده که امانی بودن ید متصدی حمل و نقل دیگر اصل نباشد.

هر گاه ارسال کننده بخواهد کلاهی را توسط متصدی حمل و نقل ارسال نماید باید بارنامه تهیه کند و در بارنامه ویژگی های کالا را ذکر کند. در ماده ی ۳۷۹ قانون تجارت هشت نکته آمده است که باید در بارنامه ذکر شده و به اطلاع متصدی حمل و نقل برسد:

۱- آدرس صحیح مرسل الیه: مرسل الیه کسی است که مال التجاره برای او فرستاده می شود.

۲- محل تسلیم مال: یعنی جایی که متصدی حمل و نقل باید کالا را به گیرنده تحویل دهد.

۳- عده ای عدل یا بسته؛ یعنی باید تعداد عدل ها یا بسته ها در بارنامه ذکر شود

۴- طرز عدل بندی؛ نحوه ی عدل بندی باید در بارنامه ذکر شود تا در صورتی که خسارتی

در مال ایجاد شده باشد، بتوان مقصر را تشخیص داد. ارسال کننده باید مواظبت نماید که

مال التجاره

فایل صوتی حقوق

WWW.VOICELAW.IR

۰۹۳۹۶۹۴۱۳۷۷

به طرز مناسبی عدل بندی شود زیرا خسارات ناشی از عیوب عدل بندی به عهده ی ارسال کننده خواهد بود .

۵- و محتوی عدل ها ؛ متصدی باید بداند محتوی بسته ها چیست تا بتواند آن را سالم به مقصد برساند مثلاً اگر کالا فاسد شدنی است آنها را سریع به مقصد برساند و یا اگر کالا قابل اشتعال است در نزدیک آن آتش روشن نکند .

۶- مدتی که مال باید در آن مدت تسلیم شود .

۷- راهی که حل باید از آن راه به عمل آید .

۸- قیمت اشیاء ؛ متصدی باید قیمت اشیایی را که حل میکند بداند تا در صورت گرانها بودن در حمل آن ها دقت نماید .

در صورتی که ارسال کننده ، اطلاعات ناقص یا غلط به متصدی حمل و نقل بدهد ، خسارات وارده بر عهده ی خودش خواهد بود .

پس از آنکه ارسال کننده بارنامه را تنظیم کرد آن را به صورت امانت در اختیار متصدی حمل و نقل قرار می دهد ، بارنامه یک سند تجاری بوده و حکم سند مالکیت را دارد و لذا گیرنده می تواند با آن کالا را به دیگری بفروشد .

قرارداد حمل و نقل بین فرستنده و متصدی حمل و نقل است که تنظیم کل قرارداد بر عهده ی فرستنده می باشد و متصدی حمل و نقل فقط امضا کننده ی قرارداد است . البته در تنظیم قرارداد متصدی حمل و نقل ، حق رزرو نیز دارد . یعنی اگر متصدی در کالا یا بسته بندی آن عیبی مشاهده

کند باید آن را در حاشیه ی بارنامه ذکر نماید . به عبارت دیگر رزرو اعلام نقص در کالا یا بسته بندی توسط متدی است که در بارنامه ذکر می گردد . مطابق ماده ۳۸۰ و ۳۸۱ ق . ت ، اگر متصدی حمل و نقل در صورت وجود عیب در کالا ، بدون قید عدم مسئولیت آن را قبول کند (یعنی رزرو نکند) بعداً مسئول « آواری » خواهد بود . آواری ، یک کلمه ی عربی بوده و به معنای کل خسارات است . اعم از خسارات بحری و غیر بحری . اما اگر متصدی رزرو نماید بعداً در حدود رزروی که کرده است از مسئولیت معاف می گردد .

- حق استرداد ارسال کننده ؛

قانون تجارت ، در ماده ی ۳۸۲ برای ارسال کننده ، حق استرداد مال التجاره ، از متصدی حمل و نقل را داده است . در واقع ید متصدی حمل و نقل را به مثابه ید ارسال کننده در نظر گرفته است . به موجب قانون تجارت ، ارسال کننده می تواند با شرایط زیر مال التجاره ای را که تحویل

متصدی حمل و نقل داده است پس بگیرد :

فایل صوتی حقوق

WWW.VOICELAW.IR

۰۹۳۹۶۹۴۱۳۷۷

۱- مال التجاره در اختیار متصدی حمل و نقل باشد .

۲- مخارجی که متصدی حمل و نقل صرف کرده و خسارات او را پرداخت نماید .

این حق استرداد نامحدود نیست بلکه در ماده ی ۳۸۳ ، قانون گذار چهار مورد استثنا آورده و ارسال کننده در این چهار مورد حق استرداد را ندارد :

۱- « در صورتی که بارنامه ای توسط ارسال کننده تهیه و به وسیله ی متصدی حمل و نقل به

مرسل^۱ الیه تسلیم شده باشد » .

بارنامه در حکم سند مالکیت می باشد بنابراین ممکن است گیرنده بعد از دریافت آن کالا را به دیگری بفروشد. به همین دلیل حق استرداد فرستنده از بین می رود.

۲- « در صورتی که متصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال کننده داده و ارسال کننده نتواند آن را پس دهد. » زیرا اگر متصدی، کالا را بدون دریافت رسیدی که به ارسال کننده تحویل داده بود به وی بازگرداند. ممکن است بعداً ارسال کننده یا دیگری مجدداً با ارائه ی رسید، مدعی شوند که کالاها هنوز در دست متصدی است و آن را پس نگرفته است.

۳- « در صورتی که متصدی حمل و نقل به مرسل^۱ الیه اعلام کرده باشد که مال التجاره به مقصد رسیده و باید آن را تحویل بگیرد. »

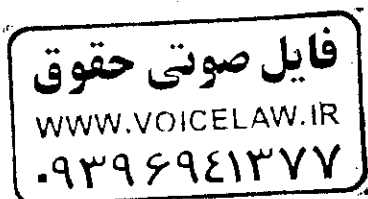
به این اخطار یا اعلام برای دریافت کالا که متصدی حمل و نقل آن را برای گیرنده صادر می کند اصطلاحاً (notice) می گویند. ماده ۳۸۹ ق. ت، به وظیفه ی متصدی در مورد notice اشاره نموده است. متصدی حمل و نقل به محض رسیدن به مقصد باید به گیرنده اطلاع دهد. تا قبل از اخطار به گیرنده notice ید متصدی ضمانتی است اما پس از اخطار ید او امانی می گردد و گیرنده مسئول هر عیب و نقصی خواهد بود.

ممکن است مرسل الیه پس از اطلاع از رسیدن مال التجاره آن را بفروشد و یا هزینه ای نماید به همین دلیل حق استرداد ارسال کننده از بین می رود.

۴- « در صورتی که پس از وصول مال التجاره به مقصد، مرسل الیه تسلیم آن را تقاضا کرده

باشد. »

- در صورتی که بین دستور ارسال کننده و مرسل الیه تعارضی پیش آید ، مثلاً به دلیل افزایش قیمت مال التجاره ، ارسال کننده تقاضای استرداد و مرسل الیه تقاضای تحویل کالا را نمایند ، متصدی حمل و نقل موظف به رعایت دستور ارسال کننده خواهد بود . مگر اینکه فرستنده نتواند رسید را به متصدی تحویل دهد .



- حق حبس متصدی حمل و نقل ؛

قانون گذار طبق ماده ۲۸۴ در سه مورد برای متصدی حمل و نقل حق حبس قائل شده است .

۱- در صورتی که مخارج و اجرت متصدی حمل و نقل بابت مال التجاره تادیه نشود. معمولاً

اجرت متصدی حمل و نقل را گیرنده می پردازد مگر اینکه توافقی بر خلاف آن شده باشد .

۲- در جایی که متصدی به گیرنده دسترسی نداشته باشد و با وجود اخطار دادن نیز به او دسترسی

پیدا نکند . مثلاً به دلیل تغییر آدرس دفتر تجاری ، گیرنده مجهول المکان باشد .

۳- در صورتی که گیرنده از تحویل کالا خودداری نماید .

در این سه صورت متصدی حمل و نقل می تواند کالا را به طور موقت نزد خود نگه دارد و یا نزد

شخص ثالثی به امانت گذارد که در هر دو صورت مخارج و هر عیب و نقصی که در مال التجاره

ایجاد شود به عهده ی ارسال کننده خواهد بود .

مطابق ماده ی ۳۸۵ ق. ت در سه مورد ، اگر متصدی مدتی را نزد خود نگه داشت اما تکلیف آن

معلوم نشد می تواند با نظارت دادستان آن را بفروش برساند :

۱- اگر امکان فساد کالاهای فاسد شدنی وجود داشته باشد و مال التجاره در معرض تضییع سریع باشد.

۲- هزینه ی نگهداری کالاها از قیمت آن ها بیشتر شود. مثل کالایی که نیاز به سردخانه دارد.

۳- در صورتی که اجرت و مخارج متصدی تادیه نشود (به این مورد در ماده ی ۳۸۴ اشاره شده است).

البته متصدی حمل و نقل باید قبل از فروش مال التجاره ، در صورت امکان به ارسال کننده و مرسل الیه اطلاع دهد.

حق حبس متصدی حمل و نقل با حق حبس حق العمل کار تفاوت دارد . حق حبس متصدی حمل تا زمانی است که مرسل الیه مبلغ مورد اختلاف را در صندوق دادگستری به امانت نگذاشته است . هر گاه مرسل الیه این مبلغ را در صندوق دادگستری بگذارد ، حق حبس متصدی از بین

می رود و مال التجاره آزاد می شود . اما در حق العمل کاری ، حق العمل کار می تواند تا زمان

دریافت حق العمل خود ، کالا را نزد خود نگهداری نماید . (ماده ۳۹۰) .
در صورتی که مرسل صلیح ضرر احتمالات را در صندوق دادگستری قرار دهد
باز هم نمی تواند کالاها را نزد خود نگذارد
حق حبس متصدی حمل و نقل ناقص است ولی حق حبس حق العمل کار تام است.

فایل صوتی حقوق

WWW.VOICELAW.IR

۰۹۳۹۶۹۴۱۳۷۷

مسئولیت های متصدی حمل و نقل ؛

در چهار صورت ید متصدی حمل و نقل ضمانتی تلقی شده و مسئول قیمت مال التجاره خواهد بود

که دو مورد آن در ماده ی ۳۸۶ و دو مورد دیگر در ماده ی ۳۸۷ ذکر شده است (قیمت مال

التجاره شامل تمام هزینه های صرف شده می باشد . مثل هزینه ی حمل و نقل ، هزینه ی گمرک ،
هزینه ی کالا و ...)

۱- تلف مال ؛ به معنای از بین رفتن کالا به گونه ای که قابل استفاده نباشد .

۲- گم شدن مال التجاره ؛ به طور کلی خارج شدن کالا از دسترس ، مثل به سرقت رفتن یا رها
شدن کالا از سوی متصدی با سهل انگاری ، به نحوی که از مکان کالا بی اطلاع گردد .

۳- نقص کالا ؛ به معنای عیب و کم شدن ارزش کالا است . اما کالا قابل استفاده است .

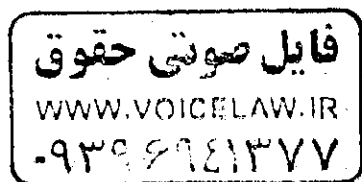
۴- تاخیر در تسلیم کالا ؛ تاخیر در تسلیم یعنی کالا دیرتر از زمان مقرر به مقصد برسد و یا
متصدی آن را دیرتر تحویل گیرنده دهد . در تاخیر در تسلیم ، متصدی در صورتی مسئولیت دارد
که موجب وارد شدن خسارت به گیرنده گردد و اثبات آن بر عهده ی گیرنده است .

در تلف یا گم شدن و یا نقص کالا نیازی به اثبات خسارت نیست ولی در تاخیر در تسلیم باید
وقوع خسارت توسط گیرنده اثبات گردد در غیر این صورت متصدی ضامن نخواهد بود .

ماده ی ۳۸۷ که در مورد تاخیر در تسلیم است ، تکمیلی است و حالتی را بیان میکند که توافقی بر
خلاف مفاد این ماده صورت نگرفته باشد .

البته قانون گذار ذیل ماده ی ۳۸۶ استثنائاتی نیز در این خصوص آورده که در آن ها ید متصدی

دیگر ضمانتی نیست.



۱- مواردی که تلف یا گم شدن کالا مربوط به تقصیر فرستنده یا گیرنده باشد. مثلاً هر گاه مال التجاره طلا باشد ولی ارسال کننده به متصدی اطلاعات کاملی نداده باشد و کالا به سرقت رود، متصدی ضامن نخواهد بود.

۲- خساراتی که مربوط به حوادثی باشد که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی توانست از آن جلوگیری نماید. یعنی خسارات ناشی از قوه ی قاهره و حوادث خارجی که غیر قابل پیش بینی و دفع باشد، مثل زلزله، سیل و

۳- مواردی که جنس کالا به گونه ای باشد که موجب خسارت گردد. مثلاً التجاره کالایی باشد که حمل آن نیاز به یخچال داشته باشد. (مثل بستنی، یخ و ...) اما فرستنده به اطلاع متصدی نرساند.

مطابق ماده ی ۳۸۸ ق. ت، متصدی حمل و نقل مسئول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل و نقل واقع شده، اعم از اینکه خود مباشرت به حمل و نقل کرده و یا حمل و نقل کننده ی دیگری را مامور کرده باشد.

متصدی حمل به دو شکل ممکن است کالاها را حمل کند؛ گاه به صورت مباشرت است یعنی کالا توسط خود متصدی و از طریق شرکت متصدی حمل و نقل صورت می گیرد و گاهی نیز به صورت غیر مباشرت می باشد. به چند دلیل ممکن است متصدی خود مباشرت در حمل کالا

نداشته باشد:

۱- خراب شدن وسیله ی حمل در بین راه

فایل صوتی حقوق

WWW.VOICELAW.IR

۰۹۳۹۶۹۴۱۳۷۷

۲- ممکن است متصدی حمل و نقل از ابتدا تصمیم داشته باشد که حمل کالا را به شخص دیگری بسپارد و خود فقط سودی به دست آورد. مثلاً خودش از آمر مبلغ یک میلیون تومان برای حمل کالا دریافت کند و به حمل کننده ی کالا مبلغ هشتصد هزار تومان پردازد. که این مورد از سایر موارد شایع تر است.

۳- ممکن است مقدار کالا کمتر از حدی باشد که متصدی تصور می کرده و حمل آن برای خود متصدی صرفه ی اقتصادی نداشته باشد و لذا حمل آن را به متصدی دیگری بسپارد.

در حالت مباشرت و هر سه حالت غیر مباشرت، متصدی حمل در قبال فرستنده مسئولیت دارد و چنانچه کالاها دچار نقص یا تلف یا هر گونه خسارتی شود، جبران خسارت با متصدی حمل است البته در سه حالتی که کالاها به صورت غیر مباشرت حمل می شود، متصدی حمل پس از جبران خسارت فرستنده میتواند به حمل کننده ی کالا (یعنی شرکت دوم یا راننده ای که کالاها را حمل کرده) مراجعه کند و خسارت را از او مطالبه نماید.

بعد از اینکه متصدی حمل اقدام به notice نموده و گیرنده به وی مراجعه کرد، چنانچه گیرنده مشاهده کند که کالاها دچار نقص یا عیبی می باشد. لازم است اقدام به رزرو نماید، رزرو گیرنده به این معناست که وی باید عدم تطابق کالاها را با اطلاعات و مشخصاتی که فرستنده اعلام داشته در رسیدی که به متصدی حمل می دهد قید نماید. به عبارت دیگر رزرو گیرنده به معنای اعلام نقص و عیب کالاها در رسیدی است که به متصدی حمل تحویل می دهد. چنانچه گیرنده

فایل صوتی حقوق

WWW.VOICELAW.IR

۰۹۳۹۶۹۴۱۳۷۷

هیچ رزروی ننماید ، یعنی تمام کالاها را صحیح و سالم و مطابق مشخصات تحویل گرفته و بعداً نمی تواند اعلام نقص یا عیب علیه متصدی حمل نماید .

قانون گذار در سه جا استثناء حتی اگر گیرنده رزرو ننماید به وی اجازه ی اقامه ی دعوی در قبال متصدی حمل را داده است :

الف) تدلیس ؛ یعنی فریبکاری به شکلی که متصدی حمل کالاها را در چشم گیرنده صحیح و سالم جلوه داده و بعداً مشخص گردد که تقلب شده است .

ب) تقصیر عمده ؛ به معنای تعدی و تفریط عامدانه و هم چنین بی احتیاطی های شدید است .

ج) خسارات (آواری) غیر ظاهر ؛ یعنی چنانچه گیرنده بعد از مدت زمانی ، متوجه شود کالاهایی که در بسته بندی هستند معیوب یا ناقص و یا ضربه خورده هستند ، حتی اگر رزرو نکرده باشد ، مانند دو مورد قبل می تواند علیه متصدی حمل اقامه ی دعوی نماید .

نکته ۱ : در مورد استثناء سوم ، گیرنده باید فوراً مراجعه کند و چنانچه تاخیر نماید حق اقامه ی دعوی را از دست خواهد داد .

نکته ۲ : مدت زمان هشت روزی که در انتهای ماده ی ۳۹۱ آمده ، طبق نظر اساتید ، فقط مربوط به دواستثناء اول است . یعنی تدلیس و تقصیر عمده .

- مواد ۳۷۷ تا ۳۹۴ قانون تجارت مربوط به حمل و نقل است .

فایل صوتی حقوق

WWW.VOICELAW.IR

۰۹۳۹۶۹۴۱۳۷۷

شرکت های تجاری



در حقوق دو نوع شخصیت داریم:

۱- شخصیت حقیقی؛

شخص حقیقی به افراد انسانی گفته می شود. طبق قانون مدنی، هر کس با تولد اهمیت تمتع پیدا میکند و با مرگ آن را از دست میدهد. و نیز با رسیدن به بلوغ اهلیت استیفا پیدا میکند. (به جز صغار، مجانین و ...)

۲- شخصیت حقوقی؛

شخص حقوقی شامل موسسات، سازمان ها، شرکت ها و ... می باشد که با ایجاد، اهلیت تمتع و استیفا می کنند.

اما مهم ترین بحث در این مورد این است که شخصیت حقوقی شرکت های تجاری واقعی است یا فرضی؟

در رابطه با این مطلب سه نظریه وجود دارد:

۱- نظریه ی اصالت شخص حقوقی؛

عده ای قائل به شخصیت واقعی شخص حقوقی هستند. اما این نظریه ایراداتی دارد؛ اولاً شخص حقوقی وجود خارجی ندارد، بلکه آنچه وجود دارد فقط دفتر، ساختمان و ... شخص حقوقی است و نمی توان آنها را به عنوان شخص واقعی در نظر گرفت. ثانیاً شخص واقعی هیچ گاه عوض نمی شود اما یک شخص حقوقی ممکن است عوض شود. مثلاً یک شرکت تجاری تغییر

کرده و به شرکت دیگری تبدیل شود. در حالی که اگر شخص حقوقی، وجود واقعی داشت

هرگز عوض نمی شد.



۲- نظریه ی فرضی و اعتباری بودن شخص حقوقی؛

طبق این نظریه شخص حقوقی، شخصیت واقعی ندارد بلکه اعتباری بوده و دولت برای آن فرض

شخصیت می کند. یعنی شخص حقوقی پس از اعتبار گرفتن از دولت موجودیت پیدا می کند.

تشکیل یک شرکت منوط به ثبت در اداره ی ثبت شرکتهاست و تا زمانی که این واره شرکتی را

ثبت نکرده است آن شرکت به وجود نمی آید.

این نظریه از دو نظر دیگر قابل قبول تر است.

۳- نظریه ی دارایی اختصاصی

طبق این نظر وجود شخصیت حقوقی حول محور سرمایه و دارایی ای است که به سود و کسب

درآمد اختصاص یافته است. به عبارت دیگر شخصیت حقوقی برای جلب سود و سرمایه تشکیل

می گردد این نظریه نیز ایرادهایی دارد.

ایرادات به این نظریه عبارتند از:
۱- سرمایه در هر شخص حقوقی نامشخص است و در هر لحظه تغییر می کند.
۲- در هر شخص حقوقی سرمایه نامشخص است و در هر لحظه تغییر می کند.
۳- در هر شخص حقوقی سرمایه نامشخص است و در هر لحظه تغییر می کند.

- انواع اشخاص حقوقی؛

۱- اشخاص حقوقی عمومی

آغاز پیدایش شخصیت حقوقی این دسته از اشخاص حقوقی، ایجاد آن ها می باشد. به عبارت

دیگر به محض ایجاد، دارای شخصیت حقوقی می شوند. منافع اشخاص حقوقی حقوق عمومی

به عموم مردم تعلق دارد. این اشخاص یا دولتی اند مثل وزارت دفاع، آموزش و پرورش، کانون

...های تجاری و ...

۲- اشخاص حقوقی حقوق خصوصی

منافع این دسته از اشخاص حقوقی متعلق به شخص یا اشخاص خاصی است و سه دسته می باشند.

(الف) موقوفات؛

بموجب قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه ، موقوفات دارای

شخصیت حقوقی هستند و به محض جاری شدن و انشاء صحیح صیغه ی وقف ، کلیه ای شخصیت
آنها مندرک
حقوقی می گردند و می گردند

(ب) موسسات غیر تجاری و غیر انتفاعی؛

مؤسساتی هستند که هدف اولیه در تشکیل آنها جلب سود و سرمایه‌ی بیشتر نیست. بر اساس ماده

ی ۵۸۴ قانون تجارت ، این موسسات از زمان ثبت شخصیت حقوقی پیدا میکند .

تشکیلات و موسساتی که برای مقاصد غیر تجاری تأسیس شده یا بشوند از تاریخ ثبت در دفتر

مخصوصی کہ وزارت عدلیہ معین خواهد کرد شخصیت حقوقی پیدا می کنند.»

بج - شرکت های تجاری ؛

بجه موجب ماده ی ۵۸۳ ق. ت، شرکت های تجاری، شخصیت حقوقی دارند اما زمان تشکیل این

شخصیت حقوقی در شرکت های مختلف متفاوت است. برخی از شرکت ها پس از ثبت در اداره

ی ثبت شرکت ها دارای شخصیت حقوقی می شوند و برخی دیگر بدون ثبت نیز تشکیل می گردند ، یعنی از زمان ایجاد شخصیت حقوقی پیدا میکنند .

-انواع شرکت

۱- شرکت مدنی

بر اساس قانون مدنی ، شرکت مدنی شرکتی است که دو نفر برای ایجاد مال مشاعی به منظور تجارت با آن توافق می کنند .

مال مشاع مالی است که دو یا چند مالک دارد و مالکین آن در تک تک اجزای آن با هم شریک اند . در مقابل مال مفروز که حال خصوصی و انفرادی است و یک مالک دارد .

شرکت مدنی مخصوص اشخاص حقیقی است و اشخاص حقوقی شرکت مدنی تشکیل نمی دهد .

شرکت مدنی گاه به صورت قهری و غیر اختیاری به وجود می آید که اجتماع حقوق مالکین

است که در نتیجه ی مزج غیر اختیاری اموال (امتزاج) یا ارث حاصل می شود ، گاهی نیز به

صورت اختیاری بوده که یا در نتیجه ی عقدی از عقود حاصل می شود یا در نتیجه ی عمل شرکا

از قبیل مزج اختیاری یا قبول مالی مشاعاً در ازای عمل چند نفر و مانند این ها .

مزج اختیاری یعنی دو نفر به اراده و اختیار ، بخشی از اموال خود را ممزوج و مخلوط کنند که در

این صورت مال ممزوج مشترک خواهد شد .

فایل صوتی حقوق

WWW.VOICELAW.IR

۰۹۳۹۶۹۴۱۳۷۷

۲- شرکت تجاری

تعریف : توافق برای ایجاد شخص حقوقی با تخصیص سرمایه بدان به منظور سهیم شدن در سود احتمالی .

در این تعریف سه رکن وجود دارد که با حذف هر کدام تعریف ناقص می شود .

الف) توافق برای ایجاد شخص حقوقی ؛

این رکن نشان می دهد که شرکت تجاری یا یک عقد ایجاد می شود . یعنی حداقل دو اراده به هم گره خورده اند . به عبارت دیگر ایقاع نمی باشد و یک نفر نمی تواند به تنهایی شرکت تجاری ایجاد کند .

هم چنین باعث تفاوت شرکت های تجاری با شرکت های مدنی می شود چون شرکت های مدنی مخصوص اشخاص حقیقی اند و اشخاص حقوقی نمی توانند شرکت مدنی تشکیل دهند .

۲- تخصیص سرمایه به آن ؛

این رکن نشان می دهد اگر پول و دارایی اختصاصی نباشد شرکت تجاری ایجاد نمی شود .

۳- برای جلب سود احتمالی ؛

هدف شرکت های دیگر که غیر تجاری هستند ، جلب سود نیست . این رکن باعث تفاوت شرکت های تجاری با موسسات غیر انتفاعی و غیر تجاری می شود.

فایل صوتی حقوق

WWW.VOICELAW.IR

۰۹۳۹۶۹۴۱۳۷۷

۱- نام؛

هر شخص حقوقی، نام مخصوص به خود دارد. نام شخص حقوقی، هویت او را معلوم می کند و موجب شناسایی وی می شود و تمیز آن را از دیگر اشخاص ممکن می سازد.

دو نوع نام در بحث شرکت های تجاری وجود دارد؛ یکی نام تجاری و دیگری نام شرکت است.

گاهی این دو نام یکی است. مثل شرکت ارج که نام تجاری آن همان نام شرکت است. اما گاهی

از اوقات این دو نام متفاوت است مثل شرکت مینو که نام تجاری ^{اش} مثل پفک نمکی است !!

۲- اهلیت

منظور از « اهلیت » شخص حقوقی، صلاحیت وی برای دارا بودن حق و تکلیف است. قانون

تجارت در این مورد می گوید: « شخص حقوقی می تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که

، قانون برای افراد قائل است، مگر حقوق و وظایفی که بالطبع، فقط انسان ممکن است دارای

آن باشد، مانند حقوق و وظایف ابوت و بنوت و امثال ذلک، (ماده ی ۵۸۸ قانون تجارت)

بر خلاف اشخاص حقیقی که به طور کلی اهمیت استیفا دارند (به جز افراد ورشکسته که اهلیت

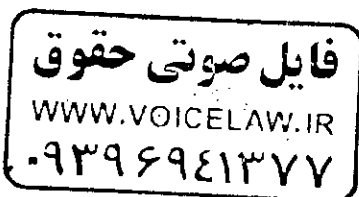
استیفا ی آن ها در مورد تصرفات مالی شان محدود می شود) اهلیت استیفا ی اشخاص حقوقی

فقط در حدودی است که قانون یا اساس نامه و شرکت نامه ی آن ها معین می کند. مثلاً اگر

قانون گذار به یک شرکت شیلات فقط اجازه ی ماهیگیری در دریای خزر را داده باشد، این

شرکت نمی تواند در خلیج فارس ماهیگیری نماید.

به موجب ماده ی ۵۸۹ قانون تجارت تصمیمات شخص حقوقی به وسیله ی مقاماتی که به موجب



قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند ، گرفته می شود .

۳- دارایی

دارایی یکی دیگر از ویژگی های مربوط به شخص حقوقی است . دارایی عبارتست از اموال و حقوق مالی و دیون و تعهدات . دارایی شخص حقوقی وثیقه ی عام دیون اش می باشد . یعنی اگر شرکتی بدهکار شود کل اموال و دارایی هایش وثیقه ی بدهی هایش می باشد .

نکته : در فقه و حقوق دو نوع وثیقه و رهن داریم :

الف) وثیقه ی عام : کل اموال شخص ، وثیقه و ضامن پرداخت بدهی اش می باشد .

ب) وثیقه ی خاص ؛ مال مشخصی به عنوان رهن یا وثیقه ی پرداخت بدهی قرار می گیرد .

- اصل استقلال دارایی شرکت از دارایی شرکا

دارایی شرکت مستقل از دارایی شرکا است . بعد از این که شرکا بخشی از سرمایه ی خود را مخلوط کرده و یا شرکت تشکیل دادند ، این شرکت دارای یک شخصیت حقوقی می گردد که سرمایه و دارایی اش متعلق به خود شخص حقوقی بوده و از دیگر دارایی های شرکاء مستقل می باشد . بنابراین شرکاء بدون اجازه ی شرکت نمی توانند در آن دخل و تصرف نمایند .

از این اصل پنج نتیجه اخذ می شود :

۱- طلب کاران شخصی شرکا حق ندارند برای وصول مطالبات خود به شرکت مراجعه کنند و

بالعکس یعنی طلبکاران شرکت نیز حق مراجعه به شرکا را ندارند.

۲- ورشکستگی شرکت ملازمه ای با ورشکستگی شرکا ندارند و بالعکس .

۳- بین دیون شرکت و دیون شرکا تهاتر صورت نمی گیرد .

نکته : « تهاتر » یکی از اسباب سقوط تعهدات است که به موجب دو تعهد متقابل که طرفین آنها

فرق نمی کنند و موضوع آن تعهدات وجه نقد یا اشیاء مثلی (مانند گندم) و هم جنس است به

مقدار متساوی با یکدیگر به موجب قرارداد یا قانون یا حکم دادگاه ساقط می شوند .

(هرگاه دو نفر به یکدیگر بدهکار بوده و جنس بدهی شان یکی باشد ، دو دین به میزانی که با

یکدیگر برابری کنند از بین می روند) .

۴- بعد از انحلال شرکت اول باید دیون شرکت از اموال شرکت تادیه شود ، سپس باقی مانده ی

اموال ، بین شرکاء تقسیم گردد .

۵- مسئولیت پرداخت مالیات بر درآمد شرکت ، بر عهده ی شرکا نیست و بالعکس .

۴- اقامتگاه

یکی دیگر از ویژگی های شخص حقوقی « اقامتگاه » آن است . اقامتگاه اشخاص حقوقی با

اقامتگاه اشخاص حقیقی متفاوت است .

قانون مدنی در ماده ی ۱۰۰۲ اقامتگاه شخص حقیقی را چنین تعریف می کند : « اقامتگاه هر

شخصی عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکوت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا

باشد. اگر محل سکونت شخص غیر از مرکز مهم امور او باشد، مرکز امور او اقامتگاه محسوب است. »

قانون ایران در سه جا به اقامتگاه شخص حقوقی پرداخته است. ماده ی ۱۰۰۲ قانون مدنی (مصوب سال ۱۳۱۳ شمسی)، می گوید: « اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آن ها خواهد بود. » ماده ی ۵۹۰ قانون تجارت (مصوب سال ۱۳۱۱ شمسی) نیز اقامتگاه اشخاص حقوقی را این طور تعریف کرده است: « اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره ی شخص حقوقی در آنجاست. » این دو ماده به اقامتگاه اشخاص حقوقی اشاره دارند، اما تعریف دیگری نیز از اقامتگاه شرکت های تجاری که جزئی از اشخاص حقوقی هستند در ماده ی ۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی (مصوب سال ۱۳۷۲ شمسی) وجود دارد که به موجب آن اقامتگاه شرکت های تجاری و بازرگانی، مرکز اصلی شرکت خواهد بود.

این تعاریف در تعیین اقامتگاه اشخاص حقوقی، با هم تعارض دارند. زیرا قانون تجارت اقامتگاه شخص حقوقی را محلی که « اداره ی شخص حقوقی » در آنجاست معین می کند و قانون مدنی « مرکز عملیات » شخص حقوقی را، اقامتگاه وی مقرر می دارد.

برای رفع تعارض این مواد قانونی نظریات مختلفی بیان شده است. اما به نظر می رسد بهتر است با توجه به این که قانون تجارت (مصوب ۱۳۱۱) خاص و قانون مدنی (مصوب ۱۳۱۳) عام است و نیز با توجه به این مسئله که عام لاحق، خاص سابق را نسخ نمی کند، اقامتگاه شخص حقوقی را همان مرکز اصلی اداره ی شخص حقوقی را در نظر بگیریم.

- ابلاغات قانونی و قلمرو قضایی ، و هم چنین تعیین تابعیت از فواید تعیین اقامتگاه اند .

۵- تابعیت

پنجمین ویژگی شخص حقوقی تابعیت است ، تابعیت ارتباطی است که بین یک شخص و یک کشور برقرار می شود . شخص حقوقی نیز مانند اشخاص حقیقی دارای تابعیت بوده و متبوع کشوری است که تابعیت آن را دارد .

قانون گذار در ماده ی ۵۹۱ قانون تجارت در رابطه با تابعیت می گوید : « اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است » و همان طور که در تعریف اقامتگاه گفته شد ، اقامتگاه جایی است که مرکز اصلی اداره ی شخص حقوقی در آنجاست .
بنابراین با توجه به مواد ۵۹۰ و ۵۹۱ قانون تجارت ، تابعیت شرکتی که مرکز اصلی آن در ایران است ، ایرانی است .

در ماده ی اول قانون ثبت شرکت ها ، برای ایرانی محسوب شدن تابعیت یک شرکت ، دو شرط آورده شده است . این ماده می گوید : « هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد ، شرکت ایرانی محسوب است . »

با توجه به این ماده چهار حالت متصور است . که در یک حالت با ماده ی ۵۹۱ ق . ت تعارض دارد .

فایل صوتی حقوق

WWW.VOICELAW.IR

۰۹۰۳۹۶۹۴۱۳۷۷

حالت اول :

شرکتی در ایران تشکیل شده و مرکز اصلی آن هم در ایران باشد. در این حالت تعارضی بین دو ماده وجود ندارد و طبق هر دو ماده چنین شرکتی ایرانی محسوب می شود .

حالت دوم :

شرکتی در ایران تشکیل نشود و مرکز اصلی آن هم در ایران نباشد . بر اساس هر دو ماده چنین شرکتی ایرانی نمی باشد .

حالت سوم :

شرکتی در ایران تشکیل شود اما مرکز اصلی آن در ایران نباشد در این حالت نیز تعارضی بین دو ماده نبوده و مطابق هر دو ماده تابعیت چنین شرکتی ایرانی نخواهد بود .

حالت چهارم :

شرکتی در ایران تشکیل نشود اما مرکز اصلی آن در ایران باشد . در این حالت بین دو ماده تعارض وجود دارد . بر اساس قانون تجارت این شرکت ایرانی است چون مرکز اصلی آن در ایران است . اما طبق قانون ثبت شرکت ها ایرانی نمی باشد چون شرط اول را ندارد .

قانون تجارت در سال ۱۳۱۱ و قانون ثبت شرکت ها در سال ۱۳۱۰ به تصویب رسیده اند . با توجه به این که هر دو قانون خاص هستند ، به دلیل اینکه قانون تجارت بعد از قانون ثبت شرکتها تصویب شده است ، آن را نسخ می کند . بنابراین در حالت چهارم شرکت ایرانی محسوب می

شود

فایل صوتی حقوق

WWW.VOICELAW.IR

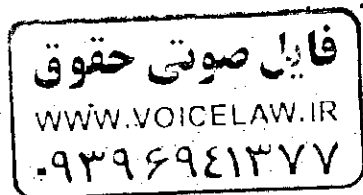
۰۹۳۹۶۹۴۱۳۷۷

- اهمیت تعیین تابعیت :

۱- اشخاصی که تابعیت ایرانی دارند از حمایت دیپلماتیک کشور ایران بهره مند می شوند .
حمایت دیپلماتیک فقط مخصوص اشخاص حقیقی بوده و شامل اشخاص حقوقی نیز می گردد
هر گاه در یک دادگاه بین المللی ، دعوایی بین یک شرکت ایرانی و یک شرکت خارجی مطرح
شود ، دولت ایران از شرکت ایرانی حمایت می کند .

۲- طرز تشکیل یک شرکت باید بر اساس قانون کشوری باشد که تابعیت آن را دارد .
تعیین تابعیت موجب می شود که یک شرکت بتواند در هنگام تشکیل به قانون کشور متبوع خود
مراجعه نموده و با شیوه ی صحیح تشکیل گردد .

۳- هر کشوری برای تبعه ی خود امتیازات خاصی قائل است (مثل حق رای) ؛ اشخاص حقوقی
نیز باتعیین تابعیت می توانند از این امتیازات بهره مند گردند . برای مثال ، یکی از امتیازاتی که
اغلب کشورها برای شرکت های تبعه خود قائل اند این است که از آن ها مالیات کمتری نسبت به
شرکت های خارجی دریافت میکنند . و یا به عنوان مثال ، هیچ کشوری به اتباع کشورهای
خارجی حق مالکیت اموال غیر منقول نمی دهند . این یک قاعده ی عام و فراگیر بوده و در ماده ی
۸ قانون مدنی کشور ما نیز به آن اشاره شده است .



۶- مدیر

از آنجا که شخص حقوقی طبیعتاً قادر نیست شخصاً و بدون دخالت دیگران اراده‌ی خود را ابراز نماید و از اهلیت خود برای اعمال حقوق و انجام تکالیفش استفاده کند، به ناچار نیاز به یک مدیر دارد که از طریق او این اراده را ابراز نماید.

مدیر یک شرکت توسط شرکا و سهامداران تعیین می‌گردد و به نمایندگی از طرف شخص حقوقی در مزایادات، مناقصات، تنظیم و امضای قراردادها و ...، شرکت کرده و اتخاذ تصمیم می‌نماید. آثار این تصمیمات مستقیماً متوجه شخص حقوقی خواهد بود.

قانون تجارت در ماده‌ی ۵۸۹ در این مورد می‌گوید: «تصمیمات شخص حقوقی به وسیله‌ی مقاماتی که به موجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند، گرفته می‌شود.»

تقسیم بندی شرکت های تجارت

در کتاب های حقوق تجارت چند نوع تقسیم بندی برای شرکت های تجاری ذکر شده است:

- تقسیم بندی اول: بر اساس مسئولیت شرکا

۱- شرکت هایی که مسئولیت شرکا در آنها نامحدود است؛

در این نوع شرکتها کل اموال شرکا وثیقه‌ی پرداخت بدهی‌های شرکت است. اگر بدهی‌های شرکت از سرمایه‌ی آن بیش تر شده و سرمایه‌ی شرکت برای پرداخت طلب طلبکاران کافی

نباشد شرکا باید طلب آن ها را از اموال خارج از شرکت خود پرداخت نمایند. در شرکت های تضامنی و شرکت های نسبی مسئولیت شرکا نامحدود است.

۲- شرکت هایی که مسئولیت شرکا در آن ها محدود است؛

در شرکت های با مسئولیت محدود، دارایی شرکت وثیقه ی طلب طلبکاران است و شرکا هیچ گونه مسئولیتی در برابر بدهی های شرکت ندارند. یعنی اگر بدهی های شرکت بیش از سرمایه اش باشد، اموال خارج از شرکت شرکا ضامن پرداخت آن نمی باشد و طلبکاران حق مراجعه به شرکا ندارند. بنابراین بقیه طلب آن ها از شرکت وصول نشده و سوخت می شود. به همین دلیل اغلب شرکت ها، شرکت های با مسئولیت محدود هستند. شرکت های سهامی (عام - خاص) و شرکت های با مسئولیت محدود جزء این دسته هستند.

۳- شرکت های مختلط

در این شرکت ها مسئولیت برخی از شرکاء محدود و مسئولیت برخی دیگر نامحدود است. مثل شرکت های مختلط غیر سهامی. شرکایی که مسئولیت محدود دارند فقط به میزان سرمایه ای که وارد شرکت کرده اند در قبال بدهی های شرکت مسئول هستند. اما شرکایی که مسئولیت آن ها نامحدود است، تمام اموال شان وثیقه ی پرداخت بدهی های شرکت است.

فایل صوتی حقوق

WWW.VOICELAW.IR

۰۹۳۹۶۹۴۱۳۷۷

تقسیم بندی دوم : بر اساس موضوع شرکت

۱- شرکت های دارای موضوع تجاری

شرکت هایی هستند که فعالیت تجاری انجام می دهند . مثل دلالی ، حق و العمل کاری ، حمل و نقل و ...

۲- شرکت های با موضوع غیر تجاری

برخی از شرکت های تجاری ، فعالیت تجاری انجام نمی دهند . مثل شرکت های تعاونی ، شرکت ها تعاونی می توانند کار غیر تجاری انجام دهند . برای مثال فعالیت شرکت تعاونی مصرف کارکنان وزارت نفت تجاری نبوده و قصد آن نیز سود رسانی به شرکای شرکت نمی باشد.

فعالیت شرکت تعاونی مصرف کارکنان وزارت نفت تجاری نبوده و قصد آن نیز سود رسانی به شرکای شرکت نمی باشد . بلکه هدف از تشکیل آن ارائه خدمات و تسهیلات به کارمندان وزارت نفت می باشد .

شرکت های سهامی نیز اگر چه غالباً کار تجاری انجام می دهند اما قانون گذار اجازه داده است که شرکت های سهامی با موضوع غیر تجاری نیز تشکیل گردند مثل شرکت سهامی برای حمایت از بیماری های خاص .

نکته ای که در این تقسیم بندی باید به آن توجه کرد این است که هم شرکت هایی که موضوع آنها تجاری است و هم شرکت هایی که موضوع غیر تجاری دارند هر دو از نظر شکلی تجاری می باشند و تنها از نظر ماهوی به این دو دسته تقسیم می گردند و لذا این تقسیم بندی ثمره ی

عملی ندارد. بنابراین تمام قوانین مربوط به شرکت های تجاری مثل قوانین ورشکستگی و قوانین

ثبت شرکت ها در مورد آن ها اجرا می گردد.

تقسیم بندی سوم: بر اساس تابعیت شرکت

۱- شرکت ایرانی

با توجه به ماده ی ۵۹۱ قانون تجارت و ماده ی اول قانون ثبت شرکت ها، شرکت ایرانی شرکتی

است که مرکز اصلی آن در ایران باشد.

۲- شرکت خارجی

شرکتی است که مرکز اصلی آن در ایران نباشد. هر چند که در ایران تشکیل شده باشد.

تقسیم بندی چهارم: بر اساس شخصیت شرکا

بهترین تقسیم بندی برای دسته بندی این هشت شرکت تجاری، تقسیم بندی بر اساس شخصیت

شرکا می باشد.

۱- شرکت های شخص

شرکت هایی هستند که در آن ها مهم ترین عاملی که موجب می گردد تا افراد حاضر به مشارکت

در تشکیل شرکت گردند یا در آن سرمایه گذاری نمایند، شخصیت سایر شرکای آن است. یعنی

شخصیت شرکای آن اهمیت دارد نه سرمایه ی آن ها. اغلب شرکت هایی که مسئولیت شرکای

آن نامحدود است. شرکت شخص هستند. شرکت های تضامنی و شرکت های نسبی جزء شرکت های شخص می باشند.

۲- شرکت های سرمایه

در شرکت های سرمایه تمام توجه و هدف شرکاء سرمایه ای است که وارد شرکت می گردد و شخصیت سرمایه گذار ملاک نیست. به عبارت دیگر در شرکت سرمایه مسئولیت شرکا محدود به سرمایه ای است که به شرکت آورده اند. از این هشت شرکت تجاری، شرکت های سهامی (عام - خاص) و شرکت با مسئولیت محدود جزء شرکت های سرمایه می باشند.

این تقسیم بندی بسیار شبیه به تقسیم بندی اول است. اما در تقسیم بندی اول ملاک و معیار تقسیم بندی، مسئولیت شرکا می باشد اما در این تقسیم بندی ملاک و معیار، (اهمیت) شخصیت شرکا است. اما نتیجه ی هر دو تقسیم بندی یکسان است. شرکت هایی که در آن مسئولیت شرکا نامحدود است، شرکت های شخص و شرکت هایی که مسئولیت شرکای آن محدود است شرکت های سرمایه هستند.

۳- شرکت های مختلط

شرکت هایی هستند که در آن ها برخی از شرکا شخصیت شان اهمیت دارد و برخی دیگر سرمایه شان اهمیت دارد. یعنی از جهت شرکت شخص و از جهت دیگر شرکت سرمایه اند.

فایل صوتی حقوق

WWW.VOICELAW.IR

۰۹۳۹۶۹۴۱۳۷۷

شرکت های تضامنی

در حقوق دو نوع مسئولیت داریم :

۱- مسئولیت نسبی

در مسئولیت نسبی هر کس به میزان سهم خودش بدهی های به بار آمده را تقبل می کند . به عبارت دیگر ، مسئول پرداخت خسارات یا ایفای تعهد به نسبت سهم و مشارکت خودش در بروز خسارت یا بدهی های به وجود آمده مسئولیت دارد . در مورد شرکت های تجاری ، هر یک از شرکا به نسبت سرمایه ای که وارد شرکت کرده است در قبال بدهی های شرکت مسئول است .

۲- مسئولیت تضامنی

کسی که مسئولیت تضامنی برای پرداخت بدهی ها یا جبران خسارت دارد نه تنها به میزان سهم خود باید جوابگوی خسارات و بدهی ها باشد بلکه باید در قبال طلبکاران پاسخگوی کل بدهی ها و تعهدات به وجود آمده باشد (مثل غصب) .

در شرکت های تضامنی ، مسئولیت شرکا ، در قبال طلبکاران شرکت ، تضامنی و در قبال یکدیگر نسبی می باشد . ماده ی ۱۱۶ ق . ت ، به مسئولیت تضامنی اشاره دارد .

- ویژگی های لازم برای تشکیل شرکت تضامنی

۱- نام شرکت

در شرکت های تضامنی ، به همراه نام شرکت باید عبارت « شرکت تضامنی » و لاقلاً اسم یک نفر از شرکاء و بعد از اسم شریک عباراتی از قبیل « و شرکا » یا « و برادران » قید گردد .

آوردن اسم شریک در نام شرکت موجب اعتماد و اطمینان سرمایه گذاران می شود و چنانچه اسم هیچ یک از شرکا در نام شرکت قید نشود قانون گذار برای کل شرکا مجازات تعیین کرده است . در ماده ی ۱۱۷ قانون تجارت ویژگی های نام شرکت ذکر شده است .

۲- شرکت نامه (عقد نامه)

شرکت تضامنی برای تشکیل نیاز به یک شرکت نامه دارد که این شرکت نامه همان عقد نامه است . شرکت نامه با اساسنامه تفاوت دارد . معمولاً شرکت هایی که تعداد سهامداران آنها بالا بوده و سرمایه ی زیادی دارند اساسنامه دارند ، اما شرکت هایی که تعداد شرکای آنها محدود است و سرمایه ی کمتری دارند شرکت نامه دارند . شرکت تضامنی نیز به علت محدود بودن شرکا ، شرکت نامه دارد . شرکت نامه قراردادی است که در آن مسائلی چون رای گیری ، تقسیم سود و زیان ، اقامتگاه ، تابعیت ، نحوه ی انتخاب مدیر و مسائلی از این قبیل که شرکا در مورد آن ها توافق می کنند ذکر می گردد .

شرکت نامه یک عقد تشریفاتی است نه عقد رضایی ، عقد رضایی عقدی است که به صرف ایجاب و قبول محقق می شود . (مثل بیع) اما در عقود تشریفاتی علاوه بر ایجاب و قبول شرایط دیگری نیز نیاز است (مثل رهن که قبض شرط صحت آن است) .

۳- تأدیه شدن سرمایه ی نقدی ؛ (ماده ی ۱۱۸)

سرمایه ای که شرکا به شرکت می آورند ممکن است نقدی و یا غیر نقدی باشد . سرمایه های نقدی باید در حسابی که برای شرکت تشکیل می گردد تأدیه شوند .

۴- تقویم و تسلیم شدن سرمایه ی غیر نقدی ؛ (ماده ی ۱۱۸)

سرمایه های غیر نقدی مانند ملک ، اتومبیل و ... نیز باید ارزش گذاری شده و تحویل داده شوند
ماده ی ۱۱۸ ق . ت دارای نواقص و ایراداتی می باشد . چون قانونگذار مرجع ارزش گذاری و
تقویم را مشخص نکرده است عملاً شرکای شرکت ها در نشستی به اتفاق آرا ، این ارزش گذاری
را انجام می دهند . اینگونه ارزش گذاری و تقویم « تالی فاسد » دارد و ممکن است منجر به
کلاهبرداری شرکا شود . به این نحو که برای جلب اعتماد مردم ، سرمایه ی شرکت را بیش از
آنچه که واقعاً هست نشان دهند .

در رابطه با تسلیم نیز قانون تجارت ساکت است و مشخص نکرده است که تسلیم باید به چه کسی
صورت گیرد . اما عملاً بدین شکل عمل می شود که شرکا در جلسه ای دور هم جمع شده و
صورت جلسه ای تنظیم می نمایند و به اتفاق هم سرمایه ی غیر نقدی را تحویل می گیرند .

- ثبت شرکت

قانون ثبت در مواد ۴۶ و ۴۷ می گوید : « ثبت شرکت نامه الزامی است و اگر شرکتی در مرجع
ثبت شرکت ها به ثبت نرسد در هیچ یک از محاکم دولتی پذیرفتنی نیست . »

این شرط ، شرط صحت عقد شرکت نیست بلکه شرط استناد است . برخی از شروط اثباتی و

برخی دیگر ثبوتی هستند مثلاً در ایجاب و قبول ، وقتی ایجاب و قبول بین دو نفر صورت می

گیرد ، در واقع ثبوتاً ایجاب و قبول صورت گرفته است اما اثبات آن در دادگاه نیاز به سند و

مدرک دارد .

مواد ۴۶ و ۴۷ قانون ثبت نیز فقط اثبات شرکت ها را منوط به ثبت آن ها دانسته اند اما ثبوت آن ها را نفی نمی کند. لذا شرط ثبت شرکت یک شرط اثباتی است نه ثبوتی.

نتیجه ی این بحث این است که چون برای تشکیل شرکت تضامنی شروط سوم و چهارم یعنی تادیه ی سرمایه ی نقدی و تقویم و تسلیم سرمایه ی غیر نقدی، لازم است لذا عقد شرکت نامه یک عقد تشریفاتی است و به صرف ایجاب و قبول تشکیل نمی شود. اما ثبت شرکت نامه در مرجع ثبت شرکت ها شرط صحت تشکیل شرکت تضامنی نیست بلکه صرفاً از جهت استناد و اثبات در محاکم دولتی لازم دانسته شده است.

- ماده ی ۱۱۹ در رابطه با نحوه ی تقسیم سود و منافع بین شرکا است و به موجب آن منافع به نسبت سهم الشرکه تقسیم می گردد. یعنی هر کدام از شرکا به نسبت سرمایه ای که شرکت آورده اند سود می برند مگر اینکه در شرکت نامه خلاف آن را توافق کرده باشند

- در ماده ی ۱۲۰ ق. ت، در رابطه با مدیر شرکت تضامنی است و به دو مطلب اشاره دارد؛ مطلب اول اینکه مدیر شرکت تضامنی ممکن است یکی از شرکا بوده و یا از خارج شرکت به سمت مدیری تعیین شود. مطلب دوم این است که شرکت تضامنی ممکن است یک مدیر و یا هیئت مدیره داشته باشد.

در صورتی که شرکت هیئت مدیره داشته باشد، معمولاً تعداد اعضای این هیئت را فرد انتخاب می کنند تا در تصمیم گیری ها و رأی گیری ها نظر اکثریت اجرا گردد.

- برای مدیر یک شرکت تضامنی دو نوع مسئولیت متصور است. یکی در قبال شرکا و دیگری در قبال اشخاص ثالث. ماده ی ۱۲۱ در خصوص مسئولیت مدیر در قبال شرکت و شرکای آن صحبت کرده ولی در مورد اشخاص ثالث ساکت است. در این ماده گفته شده که حدود مسئولیت مدیر یا مدیران شرکت تضامنی همان است که در ماده ی ۵۱ مقرر شده و با توجه به ماده ۵۱ ق. ت، مسئولیت مدیر در قبال شرکت مثل مسئولیت وکیل در قبال موکل است. بنابراین ید مدیر در قبال شرکا امانی است مگر اینکه تعدی تفریط نماید. یعنی از حدود اختیاراتی که شرکا به او داده اند تجاوز کند.

چنانچه شرکت در قبال اشخاص ثالث بدهی داشته باشد اشخاص ثالث حق مراجعه مستقیم به مدیر را ندارد و فقط می توانند به شرکا مراجعه کرده و مسئولیت تضامنی آن ها را به فعلیت برسانند. مدیر نیز اگر از شرکای شرکت باشد به میزان سهم الشرکه در قبال اشخاص ثالث مسئول خواهد بود. شرکا نیز می توانند در صورت تخلف و تقصیر مدیر، با توجه به مواد ۱۲۱ و ۵۱ ق. ت، بعد از پرداخت بدهی طلبکاران به مدیر متخلفی که از حدود اختیاراتش فراتر رفته و موجب بروز خسارت شده و مراجعه نماید.

- ماده ی ۱۲۳ قانون تجارت در ارتباط با انتقال سهم الشرکه صحبت کرده و به رو مطلب اشاره دارد.

مطلب اول در مورد افرادی است که انتقال سهم الشرکه که به آن ها ممکن می باشد. طبق نظر آقای دکتر فخاری در ماده ی ۱۲۳ که در مورد شرکت های تضامنی است کلمه « دیگری » به

کار رفته که فقط شامل شرکای شرکت می شود. ولی در مورد شرکت های دیگر کلمه « غیر » به کار رفته و کلمه غیر شامل اشخاص خارج از شرکت نیز می گردد. بنابراین در شرکت های تضامنی، انتقال سهم الشرکه فقط به شرکای خود شرکت امکان پذیر است. مطلب دوم در خصوص شرایط انتقال سهم الشرکه می باشد. ماده ی ۱۲۳ رضایت تمام شرکا را شرط انتقال سهم الشرکه دانسته است. بنابراین اگر یکی از شرکا مخالف باشد این انتقال ممکن نیست.

در رابطه با این ماده سه نکته وجود دارد:

نکته ی اول این است که این ماده به خوبی بیانگر این است که شرکت تضامنی جزء شرکت های شخص می باشد. نکته دوم اینکه هدف قانون گذار این بوده که وضعیت شرکت را تا انتها به همان وضعیت در حین تشکیل نگه دارد. بنابراین شرطی گذاشته است که کمتر به وقوع می پیوندد چرا که رضایت تمام شرکا معمولاً کمتر اتفاق می افتد. در نتیجه شرکای شرکت کمتر عوض می شوند. نکته ی سوم در مورد این ماده تکمیلی بودن آن است. شرکای شرکت تضامنی می توانند در شرکت نامه خلاف آن را توافق نمایند. اما چنانچه در شرکت نامه توافقی در خصوص انتقال سهم الشرکه صورت نگرفته باشد، انتقال سهم الشرکه تنها با اجماع، یعنی رضایت تمام شرکا، امکان پذیر است.

فایل صوتی حقوق

WWW.VOICELAW.IR

۰۹۳۹۶۹۴۱۳۷۷

« ماده‌ی ۱۳۰ »

یکی دیگر از منابع اصل استقراض در این شرکت را ذکر کرده است (بنیاد بر این است که شرکت‌های

رفع نفوذ دهد)

« ماده‌ی ۱۳۱ »

یکی از راه‌های اخراج شرکت به طار که در ذیل ماده ۱۲۹ گفته شد را ذکر می‌کند

« ماده‌ی ۱۳۲ »

مطابق این ماده، اگر شرکتی با سرمایه‌ی اولیه‌ای تشکیل شود و در نتیجه‌ی ضررهای وارده

سرمایه‌ی اولیه کم شود، بازمانده‌ی سرمایه‌ی اولیه تجدید نشده شرکت حق تقسیم هیچ سودی را ندارند

« ماده‌ی ۱۳۳ »

طبق این ماده، هیچ اکثریتی از شرکت نمی‌تواند بر تعهدات دیگران رضایت نموده یا شرکتی

اصطلاح را مجبور به کاری کند مثلاً اکثریتی ۱۰ شرکت داشته باشد و ۹ شرکت بماند به افزایش

سرمایه شرکت را داشته باشند و فقط یک شرکت مخالف باشد آن ۹ نفر حق اجبار آن

یک نفر را به افزایش سرمایه ندارند (مگر در مورد ماده ۱۳۲)

مانع انحلال آن شوند:

- ۱- شریکی از خارج از شرکت جایگزین شرکت به کار نشود و شرکت به کار اخراج شود.
- ۲- سرمایه‌ی شرکت به میزان سهم شرکت به کار تقصیل یافته و شرکت به کار سهامش را اگر کمتر از شرکت اخراج شود.

- ۳- یکی از شرکا یا شخص خارج از شرکت، منی سبیل است به هیئت شرکت را بر داند.
- ۴- طلبکار شرکت، جایگزین به کار خود نشود. البته این در صورتی است که سایر شرکا وی را بپذیرند (چون شرکت تضامنی، شرکت شخص است).
- ۵- سایر شرکا بدون جایگزین کردن شریکی از بیرون شرکت، سهم وی را بپذیرند و او را از شرکت اخراج نمایند.

مطابق ماده‌ی ۱۲۹ ق.ت. چنانچه طلبکاری بخواهد به استناد اصل وحدت دارایی شرکت به کار شرکت را منحل نماید باید طلبش برسد، لازم است حداقل ۶ ماه قبل از تقاضای انحلال تصمیم و قصد خود را به اطلاع شرکت رسانده باشد. تا سایر شرکا بتوانند در این مدت ۶ ماه از یکی از راه‌حل گفته شده استفاده نموده و دعوی انحلال شرکت را با اخراج شرکت به کار بگیرند.

فایل صوتی حقوق

WWW.VOICELAW.IR

۰۹۳۹۶۹۴۱۳۷۷

طلبکار نمی تواند در ازای طلب خود از اموال شرکت مالی را وصول نماید

- اصل و عدت دارایی

طبق این اصل بدهکار بابت اموالش مسئولیت پرداخت طلب طلبکار را دارد و به عبارت

دیگر بدهکار نمی تواند اموال خود را تنگید نماید

اصل استقلال دارایی شرکت با این اصل معارض دارد

مطابق اصل استقلال دارایی شرکت هیچ کدام از طلبکاران هر یک از شرکای حق ندارد

سهمی را که آن شرکت در شرکت دارد، مطالب طلبش مطالبه نماید زیرا شرکت شخصیت مستقل

و جدایی از شخصیت شرکایش دارد، اما مطابق اصل و عدت دارایی هر کس که بدهکار باشد

بابت اموال و دارایی های مسئولیت پرداخت طلب طلبکارش را دارد. چه این سرمایه در

اختیار خودش باشد یا اینکه در شرکتی سرمایه گذاری شده باشد.

بنابراین در اصل معارضی به نظر می رسد با این توضیح که اگر طلبکار شخصی یکی از شرکای

شرکت نخواهد بود و از سرمایه ی شرکت مطالبه نماید، اصل استقلال دارایی شرکت مانع

اوست شود. اما اصل و عدت دارایی به او اجازه می دهد که این کار را انجام دهد.

علاوه بر این معارض به سایر شرکاء هم پیشنهاد داده تا بتوانند با حفظ شرکت

« ماده ی ۱۲۸ »

در مورد یکی از نتایج اصل استقلال دارایی شرکت است.

فایل صوتی حقوق

WWW.VOICELAW.IR

۰۹۳۹۶۹۴۱۳۷۷

« ماده ی ۱۲۹ »

این ماده به این پرسش پاسخ می دهد که آیا طلبکار حق دارد اگر شرکت طلب او را پرداخت
تقاضا کند سرعایی آن شرکت از شرکت جدا شده و به وی داده شود یا خیر

در ابتدای این ماده کلمه ی « تأمین » آورده شده است.

زمانی که هواکن علیه خوانده دادخواستی می دهد ممکن است در مدتی که دادگاه پیرو

خود را طی می کند، خوانده اموال خود را از دسترس خارج کند. برای جلوگیری از این امر

هواکن در زمان دادخواست از دادگاه تقاضا می کند که به اندازه ی طلب او از اموال

خوانده را تأمین نمایند یعنی در امان نگه دارند) که به آن قرار تأمین خوانسته می گویند

قانون گذار در این ماده می گوید طلبکار نمی تواند تقاضای تأمین خوانسته از اموال شرکت

نماید

کلمه ی دیگری که در این ماده آورده شده، کلمه ی « وصول » است. وصول به معنای

بردن است آوردن می باشد.

طبق این ماده طلبکاران شخصی شرکا نامانی که شرکت منحل نشده و طلب طلبکاران شرکت پرداخت نشده است، هیچ حق مطالبه‌ای نسبت به سهم شرکای شرکت ندارند به عبارت دیگر طلبکاران شرکت نسبت به طلبکاران شخصی شرکا حق تقدم دارند.

ماده ۱۲۷.

این ماده در خصوص ورشکستگی می‌باشد. اگر تاجری توانایی پرداخت دیونش را نداشته باشد طلبکاران او می‌توانند تخاضی ورشکستگی او را نمایند. ورشکستگی به این معناست که شخص دیگر حق تصرف در امور مالی خود را ندارد. ورشکستگی فقط در مورد اشخاص حقیقی نبوده و اشخاص حقوقی نیز ممکن است ورشکسته شوند.

مطابق این ماده تا قبل از تصفیه امور شرکت جاری می‌توان حکم ورشکستگی آن داد. هر شرکت جاری یک تولید دارد که همان تشکیلش می‌باشد و یک مرتبه دارد که با اختتام امر تصفیه او صورت می‌گیرد. تصفیه امور شرکت بعد از انحلال آن صورت می‌گیرد.

تصفیه شرکت به معنای تقسیم دارایی‌های شرکت بین طلبکاران شرکت است. براساس این ماده بعد از انحلال شرکت هم امکان صدور حکم ورشکستگی شرکت وجود دارد.

فایل صوتی حقوق

WWW.VOICELAW.IR

۰۹۳۹۶۹۴۱۳۷۷

« ماده ی ۱۲۴ »

این ماده چند مطلب را ذکر می کند

۱- شرکا در قبال طلبکاران شرکت مسئولیت تضامنی دارند

۲- مسئولیت شرکا در قبال هم مسئولیت نسبی است. و شرکا به نسبت سهم الشرکه خود

مسئولیت دارند

۳- مسئولیت نسبی شرکا می تواند در شرکت نامه تغییر پیدا کند و می تواند

۴- طبق اصل استقلال دارایی شرکت، طلبکاران شرکت تا قبل از انحلال شرکت

حق مراجعه به شرکا را ندارند

« ماده ی ۱۲۵ »

شریکی که جدیداً در شرکت وارد شده، نسبت به تروض گذشته هم مسئولیت دارد

« ماده ی ۱۲۶ »

هر شریک ممکن است دو طلبکار داشته باشد : ۱- طلبکاران شرکت ۲- طلبکاران شخصی

فایل صوتی حقوق

WWW.VOICELAW.IR

۰۹۳۹۶۹۴۱۳۷۷

هائی

تواضع و فروتنی چنان است که با دیدم چنان کنی که دوست داری با تو آن کند.

دل را غم تو دو باره خونین کرده است

بر دشمن تو ما طئه نفرین کرده است

در رهبر و مقصد ما ، هادی دین

من و ایمان من که هر دو تو هنر کرده است